

چکیده

تهاجم نیروهای ائتلاف به عراق موجب سرنگونی رژیم صدام حسین و پایان بخشیدن به چند دهه حکومت اقتدارگرایانه بر این کشور شد. در مقاله حاضر این پرسش طرح شده است که چشم انداز تحولات حقوق بشر در عراق پس از صدام چیست، و آیا نهادینه سازی دموکراسی و حقوق بشر در این کشور بالاخره به ثمر خواهد رسید یا خیر؟ به نظر نویسنده، موانعی چون پیشینه تاریخی و نیز تثبیت و تحکیم فرهنگ استبداد پذیری و اقتدارگرایی، نهادینه شدن اصول بنیادین حقوق بشر را در عراق آسیب پذیر می کند، از این رو تعامل نیروهای بین المللی با گروههای سیاسی عراقی در جهت ساختار سازی سیاسی، هنجار سازی اصول حقوق بشر و بستر سازی فرهنگ حقوق بشر ضروری به نظر می رسد. با توجه به این زمینه، سه عنوان ساختار سازی نیروهای ائتلاف، نظارت سازمان ملل متحد و تواناییهای شهروندان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و اقداماتی که می تواند مسیر عراق را برای تحقق اهداف یاد شده هموار سازد، ذکر شده است.

کلید واژه ها: حقوق بشر، عراق پس از صدام، نیروهای ائتلاف، سازمان ملل متحد، ساختار سازی سیاسی، فرهنگ اقتدارگرایانه

* دکتری روابط بین الملل و پژوهشگر ارشد مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۸-۱

حمله یک جانبه ایالات متحده آمریکا به عراق، از سویی امیدهای پیش روی هزارهٔ جدید را در حاله ای از ابهام فرو برد و از سوی دیگر، امیدها و آرزوهایی را در زمینهٔ پشتیبانی از حقوق بشر زنده کرد. فوری ترین، ملموس ترین و مهمترین نتیجه این جنگ، خلع صدام حسین از قدرت است؛ سرنگونی یک رژیم دیکتاتوری که برای بقای خویش، طی دهه های گذشته، از نقض بدیهی ترین هنجارها و اصول حقوق بشر در این سرزمین فروگذار نکرد، و نابودی دیکتاتوری دیگر در سرزمینی که همیشه به لحاظ تاریخی، عرصه جدال و کشمکش و چالش میان دیکتاتورهای بومی و منجیان بیرونی بوده است. تاریخ باستان، تاریخ اسلام و تاریخ معاصر هریک به نوعی درباره این سرزمین داستانهایی در متن خود دارند که به یک پیام مشترک می انجامد: «موضوع پیچیده رعایت حقوق بشر هیچ گاه در این سرزمین پایان نمی یابد.» آیا این بار این سرزمین جدال دیرینه خود را در نهادینه سازی دموکراسی، حقوق بشر و آزادی به پایان می رساند؟ مقاله پیش روی با ارایه این پرسش مهم تلاش می کند تا موضوع چشم انداز و آینده تحولات حقوق بشر در عراق را مورد بررسی قرار دهد. بار دیگر آزادی مردم از استبداد و ستمی که با آرای ۹۹ درصدی همین مردم در چند ماه گذشته، مشروعیت سیاسی و اخلاقی خود را به رخ جهانیان می کشید، به تحقق پیوست. نظام سیاسی مستبد بعثی با مداخله نیروهای بیگانه - که طبعاً انگیزه های واقعی آنها در حمله به عراق بر پایه منافع ملی شان شکل می گیرد - فرو ریخت و ملتی از یوغ استبداد نجات یافت. وانگهی، با توجه به پیشینه تاریخی این سرزمین و نهادینه شدن فرهنگ استبداد و اقتدارگرایی در میان توده های این کشور، اکنون و آینده سیاسی عراق در زمینه نهادینه سازی اصول بنیادین حقوق بشر بسیار حساس و آسیب پذیر است. تعهدات حقوقی این کشور در مسایل حقوق بشر منوط به بازسازی ساختار سیاسی و یکپارچگی ملی این کشور است و گفتنی است که بازسازی ساختار سیاسی این کشور در دست نیروهای اشغالگر قرار دارد. این موضوع، اقدامات جدی و دامنه دار مجامع بین المللی را می طلبد و به طراحیها و برنامه ریزیهای نیاز دارد که پاسخگوی پرسش اصلی گفته شده در این پژوهش باشد.

تعامل مجامع بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد و نیروهای ائتلاف، با گروه‌های سیاسی عراق به منظور ساختارسازی سیاسی، هنجارسازی اصول حقوق بشر و بسترسازی فرهنگ حقوق بشر فرضیه‌ای است که پژوهش پیش‌روی، تنظیم متون خود را برپایه آن فراهم می‌آورد. در همین راستا و به منظور بررسی و آزمون فرضیه گفته شده، نقش نیروهای ائتلاف در ساختارسازی سیاسی، حقوقی و فرهنگی عراق، نقش سازمان ملل متحد در اجرای عملیات آنی در زمینه حقوق بشر و طراحیها و پیش‌بینیهای آتی این سازمان در عراق، همچنین تواناییهای بالفعل و بالقوه افراد و جامعه عراق در پذیرش هنجارهای حقوق بشری، ساختارهای سیاسی دموکراتیک و نهادهای آزاد مدنی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند.

ساختارسازی نیروهای ائتلاف

جنگهای مدرن، به ویژه اگر در برابر یک کشور ضعیف انجام شود و نابرابری فاحش میان طرفین درگیر مشهود باشد، رهیافتهای مدرن و توجیه‌های مدنی را می‌طلبد؛ دلایلی که از سوی قدرت برتر برای توجیه آغاز جنگ و سپس به عنوان قدرت اشغالگر - پس از شکست طرف مقابل - به منظور ایجاد نظم مورد نظر در آن سرزمین ارایه می‌شود. از آنجا که برپایه یک دیدگاه سنتی، نظم یعنی حقی که به طور گسترده وابسته به قدرت است،^۱ به همین سان، برقراری نظام سیاسی و حقوقی در عراق اشغال شده، به شدت تحت تأثیر قدرت کنترل‌کننده یعنی ایالات متحده آمریکا است. اکنون اشغال عراق انجام شده است. این عملیات بخشی از پروژه آمریکا در منطقه خاورمیانه است. طراحان سیاستهای دفاعی و خارجی ایالات متحده در ترتیب و انجام چنین جنگی، توجیهات مدنی خود را، چه در آغاز جنگ و چه هنگام اشغال عراق، برپایه تنظیم یک فرآیند مشروعیت‌سازی در داخل و خارج از آمریکا تنظیم می‌کنند تا بتوانند به نظم مطلوب خود در داخل عراق و در جامعه جهانی دست یابند. در همین زمینه، دو موضوع در اولویت قرار می‌گیرد: نخست، خشکاندن ریشه‌های تروریسم و رویارویی با آن و دفاع پیشگیرانه که توجیهی مدنی و مبنایی است که در داخل آمریکا به جنگ علیه عراق

مشروعیت بخشید.^۲ دوم، گسترش دموکراسی، نابودی دیکتاتوری مانند صدام حسین، رهایی مردمی دربند، و برپایی حکومتی بر مبنای اصول حقوق بشر و جامعه مدنی که مشروعیت تدارک و انجام جنگ و اشغال عراق را، چه در میان عراقی‌ها و چه در انظار بین‌المللی، پوشش می‌دهد.^۳ با توجه به اینکه اجرای دموکراسی در عراق امر بسیار دشواری است و حتی برخی اجرای دموکراسی در عراق را در توان هر کول می‌دانند، بنابراین، رژیم پس از صدام به بازیچه آمریکایی‌ها متهم می‌شود.^۴ لذا، حساسیت در این زمینه به اظهار نظرهای دقیق نیاز دارد. در همین راستا، بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، در هنگام فتح بغداد از سوی نیروهای ائتلاف طی پیامی به مردم عراق اظهار کرد: «در این لحظه، روند برکناری رژیم صدام حسین از قدرت جریان دارد و دوران طولانی ترس و بی‌رحمی به پایان می‌رسد. نیروهای آمریکایی و ائتلاف اکنون عملیات خود را در بغداد پیاده می‌کنند و تا وقتی که دار و دسته صدام از بین نرفته باشد، متوقف نخواهند شد. دولت عراق و آینده کشور شما به زودی به شما تعلق می‌گیرد. اهداف ائتلاف ما روشن و محدود است. ما به رژیم بی‌رحمی پایان می‌دهیم که تجاوزطلبی و تسلیحات کشتار جمعی‌اش، آن را تهدیدی استثنایی برای جهان ساخته است. نیروهای ائتلاف به استقرار قانون و نظم کمک خواهند کرد تا عراقی‌ها بتوانند در امنیت زندگی کنند.»^۵

به همین منظور، نیروهای آمریکایی و ائتلاف جهت عملیاتی کردن اهداف و آرمانهای خود در عراق، توجیهات مدنی خود در آغاز جنگ و هنگام اشغال عراق را ارایه می‌کنند و موضوعات ذیل را تعقیب می‌کنند: ۱. خلع از قدرت و دستگیری همه وابستگان و مقامات رژیم بعثی (در همین زمینه، یک فهرست ۵۵ نفره از افرادی که در مصدر قدرت قرار داشتند، منتشر شده و تحت تعقیب نیروهای ائتلاف هستند)؛ ۲. نابودی کامل توان عراق، چه بالفعل و چه بالقوه، در زمینه تولید سلاحهای کشتار جمعی؛ ۳. از بین بردن زمینه پیدایش و یا رشد هرگونه فعالیت و عملیات تروریستی؛ ۴. اداره موقت عراق به دست یک حاکم آمریکایی با همکاری نمایندگان از گروههای معارض عراقی؛ ۵. رفع تحریمهای اقتصادی و آغاز دوباره صدور نفت عراق به منظور بازسازی اقتصادی و تأمین رفاه عمومی در راستای به دست آوردن رضایت

عمومی؛ ۶. زمینه سازی و ساختار سازی برای به قدرت رسیدن یک نظام سیاسی دموکراتیک تحت کنترل مقامات آمریکایی؛ ۷. طراحی یک ساختار سیاسی - اجتماعی دموکراتیک در عراق که از مؤلفه‌هایی چون مذهب، قومیت، سنت و ایدئولوژی متأثر نباشد.

از آنجا که تأثیر و تأثر دولت و جامعه مدنی به یکدیگر در مورد موضوع پشتیبانی از حقوق بشر غیرقابل انکار است،^۶ به همین دلیل ساختار سازی یک دولت دموکراتیک، فوری‌ترین چیزی است که اکنون پس از فروپاشی صدام در دستور کار آمریکا قرار دارد، ضمن اینکه موضوع رابطه دولت و جامعه مدنی در قضیه عراق به شدت تحت تأثیر نیروی سوم یعنی ایالات متحده آمریکا قرار دارد. به همین دلیل، کنترل و عدم کنترل چالش‌های این دولت در پشتیبانی از حقوق بشر نیز تحت تأثیر این نیروی سوم است، به گونه‌ای که بوش در این زمینه اظهار کرده است: «ما به شما در ایجاد یک دولت منتخب صلح‌جو که از حقوق همه مردمانش پاسداری کند، کمک می‌کنیم و پس از آن نیروهای نظامی ما خارج خواهند شد.»^۷ با توجه به این نظریه که نقش دولت در اروپا و آمریکای شمالی به پایینترین اندازه می‌رسد تا برنامه‌های اجتماعی ویژه این کشورها به ثمر برسد،^۸ ساختار سازیها در عراق به گونه‌ای انجام خواهد شد تا نقش دولت آینده عراق تنها در راستای برنامه‌ها و دستور کار ایالات متحده انجام شود تا بدین طریق حقوق بشر مطلوب ایالات متحده در عراق تعقیب و پیاده شود. چنین نقشی در ۲۳ مه ۲۰۰۳ در قطعنامه ۱۴۸۳ نیز به تأیید شورای امنیت رسیده است.^۹

نظارت سازمان ملل متحد

تجربه‌های به دست آمده در هائیتی، بالکان، تیمور شرقی و افغانستان نشان می‌دهد که به دست آوردن صلح اغلب دشوارتر از انجام یک جنگ است.^{۱۰} اکنون نیز نیروهای ائتلاف و مجامع بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد، به منظور برقراری صلح، آرامش و دموکراسی در عراق مسئولیت مهمی برای روی آوردن مردم، گروه‌های سیاسی و نظام سیاسی این کشور به اصول بنیادین حقوق بشر و رعایت هنجارهای مربوط به حقوق بشر دارند. هنجارهای حقوق بشر، دستاورد تفاهم، گفتگو و تصویب پیمان‌نامه‌هایی است که کشورهای عضو سازمان ملل

متحد آنها را فراهم آورده اند^{۱۱} (جدول شماره ۱). هنجارهای بین المللی می توانند موجب تغییر در رفتار کشورها شوند و رفتارهای بومی و محلی را دستخوش دگرگونی سازند.^{۱۲} به همین دلیل، ضروری است تا سازمان ملل با نظارت ویژه خود، چنین هنجارهایی را در عراق گسترش دهد. البته، اگرچه عراق اکنون در شرایط جنگ و اشغال قرار گرفته است و گسترش و ترویج همه هنجارها و پیمان نامه های حقوق بشری به طور هم زمان در این کشور میسر نیست، اما برخی اصول و هنجارهای حقوق بشر به اندازه ای دارای اهمیت است که نظارت ویژه و فوری سازمان ملل متحد را می طلبد. رعایت برخی از هنجارها و اصول بنیادین حقوق بشر شامل آزادی عقیده و آیین، آزادی بیان، حق خواندن و نوشتن، حفظ سلامت جمعی مندرج در حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در بعد کلان، «امنیت شخصی» تعطیل بردار نیست و جامعه بین المللی، به ویژه سازمان ملل متحد، در این زمینه دارای مسئولیت است.^{۱۳} مسئولیت سازمان ملل متحد در این زمینه، به منظور هماهنگی و آگاهی میان واحدهای سیاسی، در بند ۳ ماده ۴ پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است. برپایه بند ۱ ماده ۴، هر گاه یک خطر عمومی استثنایی، موجودیت یک ملت را مورد تهدید قرار دهد و این موضوع به طور رسمی اعلام شود، کشورهای عضو این پیمان نامه می توانند تدابیری خارج از الزامات پیش بینی شده در پیمان نامه را اتخاذ کنند، مشروط به اینکه: ۱. از مفاد ۶، ۷، ۸ (بند ۱ و ۲)، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ که حقوق بنیادین بشر هستند، خارج نشوند؛ ۲. هنگام استفاده از حق انحراف، بلافاصله موضوع را از طریق دبیر کل سازمان ملل به اطلاع دیگر دولتهای عضو - با اقامه دلیل و اعلام مفادی که از آن خارج شده اند - برسانند.^{۱۴} همین موضوع، به ویژه مورد اخیر، دقت و اهمیت نظارت سازمان ملل بر امور عراق را در زمینه حقوق مدنی و سیاسی دو چندان می کند: یعنی اینکه آیا نیروهای درگیر در جنگ و اکنون نیروهای اشغالگر، انحراف از برخی مفاد پیمان نامه را از طریق دبیر کل سازمان ملل متحد به اطلاع دیگر کشورهای عضو پیمان نامه رسانده اند یا خیر؟ در راستای تقویت این نقش، دبیر کل کمی جلوتر رفته و اظهار کرده است که بازسازی عراق تنها در صورتی مشروعیت دارد که سازمان ملل در آن دخیل باشد.^{۱۵} البته، شخص دبیر

کل نسبت به این موضوع آگاه است که سازمان ملل و نیروهای آن جز کارمندان دولتهای عضو، مقام دیگری نیستند و اقدام و فعالیتهای آنها منوط به تصویب دو رکن اصلی سازمان یعنی شورای امنیت و مجمع عمومی است که اتفاقاً این دو رکن، در کنار وظایف دایمی و همیشگی سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت، پیشگیری از درگیری و پشتیبانی از حقوق بشر، برای سازمان ملل متحد اختیارات ویژه ای را در قضیه عراق پیش بینی کرده اند. با این وجود به رغم چالشهایی که در قضیه عراق در همکاری سازمان ملل متحد با آمریکا و نیروهای ائتلاف پیش آمده سازمان ملل متحد می تواند در دو مرحله به موضوع عراق بپردازد:

۱. مرحله آتی:^(۱) که در این مرحله سازمان ملل می تواند به پایداری چند پارامتر فوری

حقوق بشر کمک کند:

الف. نظارت بر رعایت حقوق بین الملل بشر در دوستانه در عراق؛

ب. تدارک نیازهای انسانی و کمک به مردم به منظور در دسترس قرار گرفتن

این کمکها؛

ج. تلاش و همکاری با نیروهای ائتلاف به منظور برپایی نهادهای دموکراتیک و آزاد

در عراق؛

د. آغاز به کار دوباره و فعالیت گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

در مورد وضعیت حقوق بشر در عراق برای یکسال^{۱۶}؛ و

هـ. منصوب نمودن نماینده ویژه دبیر کل در امور عراق و آغاز فعالیت وی؛^{۱۷} در این

زمینه دبیر کل سازمان ملل متحد، رییس کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان، آقای

سرجیو ویرادوملو^(۲) را با حفظ سمت برای چهار ماه به عنوان نماینده ویژه خود در امور عراق

منصوب کرده است.^{۱۸}

۲. مرحله آتی:^(۳) که در این زمینه پیش بینی چند فاکتور برای آینده عراق مدنظر

قرار می گیرد:

1. Urgent

2. S. Vieira de Mello

3. Future

الف. پیوستن عراق به همه پیمان نامه‌ها و کنوانسیونهای حقوق بشری سازمان ملل متحد^{۱۹} (جدول شماره ۲)؛

ب. فرهنگ سازی و ایجاد باور در عراق نسبت به اصل جهان شمولی، ارتباط متقابل و تجزیه ناپذیری همه اصول و نسلهای حقوق بشر؛

ج. همکاری پایدار با کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به منظور بسترسازی و نهادینه کردن معیارهای حقوق بشر در بعد آموزش، اجرا و دستگاههای قضایی و قانونگذاری عراق؛

د. تشویق عراق به پذیرش صلاحیت کمیته حقوق بشر در دریافت و بررسی شکایت افراد نسبت به دولت طبق نخستین پروتکل الحاقی به پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی؛

هـ. فراهم کردن زمینه محو مجازات مرگ در عراق مگر در موارد ضروری برابر با تعهد عراق در ۲۵ ژانویه ۱۹۷۱ نسبت به کل و روح پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی؛

از جمله بند ۲ ماده ۶ که در آن تصریح شده است در کشورهایی که هنوز مجازات مرگ پایان نیافته است، صدور حکم مرگ نمی تواند انجام شود مگر در مورد جنایتهای وحشتناک؛^{۲۰} و

و. کنترل مؤثر و همیشگی بر امور نظامی و تسلیحاتی عراق به منظور پیشگیری از به وجود آمدن یک رژیم میلیتاریستی که دوباره در آینده، حقوق بشر را نقض کند.

همان طور که در آغاز گفته شد، سازمان ملل متحد برای دستیابی به این اهداف نیازمند هنجارسازی و بسترسازی در جامعه عراق در زمینه گسترش و فرآیند هنجارهای حقوق بشری در این کشور است؛ زیرا بدون ترویج این هنجارها، تغییرات سیاسی به وجود نخواهد آمد. هنجارهای حقوق بشر، تغییرات سیاسی را به واسطه فرآیند جامعه پذیری که شامل منافع ابزاری، فشارهای اولیه و مادی، بحث، اقناع، نهادسازی و عرفی گرایی است، تحت تأثیر قرار می دهند.^{۲۱} فعالیتهای سازمان ملل متحد در زمینه نهادینه کردن هنجارهای حقوق بشر موجب می شود تا چالشها و مشکلات مربوط به اصول بنیادین حقوق بشر کاهش یافته و به تدریج حل شود. اکنون عراق برای گذار از وضعیت گذشته خود به یک سطح مطلوب، با چهار مشکل اساسی مواجه است که سازمان ملل باید به آنها بپردازد: ۱. آزادی سیاسی؛

۲. ضمانت قضایی؛ ۳. برابری در حقوق و مشارکت سیاسی؛ و ۴. پیروی از سیاستهای حقوق مثبت. ۲۲ گذار از این چالشها در گرو انجام اقدامات آنی و آتی سازمان ملل متحد و نظارت سازمان بر وضعیت حقوق بشر در این کشور است. در این راستا، آموزش و تربیت رفتاری و فکری شهروندان عراقی اهمیت می یابد.

تواناییهای شهروندان

مفروض بسیاری از پژوهشگران در ارزیابی رفتارهای قابل مشاهده در ارتباطات انسانی و اجتماعی این است که رفتارهای یک فرد ریشه در باورهای وی، تربیت خانواده، همبازیهای دوران کودکی، محیط مدرسه و محله، دوستان، آموزشهای رسمی، دانشگاه و رسانه های آن کشور قرار دارد. برپایه این مفروض، در یک محیط بزرگتر مانند جامعه ما یا با رفتارهای مدنی و اخلاقی روبه رومی شویم که در فضای جهانی امروز قابل پذیرش هستند، و یا با رفتارهایی مواجه می شویم که در برداشت جهانیان غیرمدنی و غیراخلاقی محسوب می شود. تغییر رفتارهای نامطلوب به رفتارهای متمدنانه و جهانی نیز، نیازمند صرف وقت، آموزش و تعامل با کسانی است که رفتارهای جهانی و باورهای مدنی دارند. در این زمینه، حضور و مشارکت روان شناسان و جامعه شناسان امری ضروری است.^(۱) بر این پایه، شهروندان جامعه عراق که یک نظام سیاسی استبدادی را پشت سرگذاشته اند، چند نسل شاهد جنگ بوده و یا در آن مشارکت داشته اند، و پارامترهای اقتدارگرایانه مبتنی بر استبداد در رسانه ها و تربیونهای رسمی این کشور ترویج می شده است، به شدت درگیر باورهای استبدادزده ای هستند که توانایی آنان را در پذیرش اصول حقوق بشر، دموکراسی و آزادیهای مدنی به حداقل می رساند و همین موضوع در جامعه عراق به رفتارهای غیر مدنی می انجامید که به پایداری نظام سیاسی دیکتاتوری عراق طی دهه های گذشته کمک می کرد.

بر پایه رهیافتهای روان شناختی و جامعه شناسانه، فرهنگ اقتدارگرا و جامعه

۱. به ویژه برای افرادی که در دوره میان سالی قرار دارند و نمی توانیم آنها را به دوران کودکی، فضای مدرسه و غیره برگردانیم. در اینجا است که باید افراد متخصص در زمینه تغییر رفتار افراد این جامعه دخالت کنند.

استبدادزده افراد پیچیده‌ای تولید می‌کند که در رفتارهای مدنی، سیاسی و اخلاقی از عملکرد مناسبی برخوردار نیستند. این وضعیتی است که بر شهروندان بسیاری از کشورهای منطقه ما، به ویژه عراق، سایه افکنده است. دموکراسی در جهان عرب نهادینه نشده و عراق مانند ۱۵ دولت دیگر عربی خاورمیانه و شمال آفریقا و با اندک تفاوتی با آنها، در زمینه پلورالیسم سیاسی، آزادی مدنی و رقابتهای انتخاباتی با چالشهای جدی مواجه است. دانیل برومبرگ این وضعیت همسان را هارمونی ایدئولوژیهای حاکمی می‌داند که زمینه هر گونه رقابت ارزشها و بینشهای سیاسی را از بین می‌برد.^{۲۳} عراق در اوج چنین وضعیتی قرار داشته است. این موضوع زمینه آزادسازی سیاسی در میان شهروندان را به صفر می‌رساند و روحیه استبدادپروری و فاشیست ستایی را به اوج می‌برد. دکتر مهران کامروا، استاد ایرانی دانشگاه نورتریج کالیفرنیا، این نوع دولت را «دولت دربرگیرنده»^(۱) می‌نامد؛ نوعی نظام سیاسی که همواره تلاش می‌کند با برپایی تظاهرات خیابانی و تشکیل کمیته‌های علمی، گروههای جوانان، شوراها و بسیج دیگر ارگانهای مشابه، این گونه القا کند که همه «توده‌ها» را در برمی‌گیرد و در درون خود دارد و بدین نحو، به این جمعیت گسترده احساس مشارکت سیاسی بدهد.^{۲۴}

اکنون این یک واقعیت بدیهی است که عراق سرزمینی است که در آن هنجارهای حقوق بشر نهادینه و درونی نشده، و نظم سیاسی مبتنی بر آزادیهای فردی، ساختارسازی نشده است. همین موضوع در پیچه خطرناکی در حقوق مدنی و سیاسی افراد پدید می‌آورد که ممکن است آنها را دوباره به دامن استبداد یا دیکتاتوری بازگرداند، به ویژه هنگامی که توده‌ها احساس کنند در مقایسه با گذشته از امنیت و رفاه کمتری برخوردارند. در این زمینه، آموزش حقوق بشر به واسطه نهادهای مدنی؛ از جمله مدارس، دانشگاهها و سازمانهای غیر حکومتی ضروری است. چنین آموزشی نیازمند رایزنی با روان‌شناسان و جامعه‌شناسان است. همچنین گسترش رسانه‌های آزاد و مستقل شامل مطبوعات و شبکه‌های آزاد تلویزیونی که فرهنگ جهانی حقوق بشر را آموزش دهند و معنای قانون، حقوق و مشارکت سیاسی را تفهیم کنند،

ضرورت دارد. اکنون تهیه برنامه‌هایی که به شناخت و فهم مدنی شهروندان از حقوق بنیادی شان بینجامد، دارای اولویت است؛ حق مدیریت بر سرنوشت سیاسی خود، اداره کشور بر پایه اهداف و خواسته‌های ملت عراق، بهره‌برداری از منابع طبیعی به منظور تأمین رفاه عمومی و بازسازی کشور. در این زمینه کمیسیاریای عالی حقوق بشر، برنامه عمران ملل متحد، یونسکو، یونیتار و دیگر نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد می‌توانند با به کارگیری متخصصان روان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی در افزایش توان و ظرفیت مردم عراق برای پذیرش فرهنگ تساهل و تسامح و توجه به حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری ایفا کنند.

نتیجه‌گیری

کشف گورهای دسته‌جمعی و اتاقهای شکنجه، وجود شبکه‌های گسترده اطلاعاتی، پناه دادن به گروههای تروریستی و بسیاری از نمونه‌های دیگر، از عراق یک الگوی سیاسی کامل در نقض اصول حقوق بشر ساخته بود. اکنون دیکتاتوری صدام حسین به پایان رسیده است و تحولاتی در زمینه حقوق بشر در این سرزمین در راه است. مردم عراق بار دیگر آزادی در سرزمین خود را تجربه خواهند کرد، پایداری و گستره این آزادی منوط به نهادینه کردن اصول حقوق بشر و هنجارهای جهانی حقوق بشر در این کشور است. یک تعامل فراگیر میان سازمان ملل متحد، نیروهای ائتلاف، گروههای سیاسی، سازمانهای غیرحکومتی و مردم عراق به دست‌یابی به یک فضای مطلوب حقوق بشری در عراق کمک خواهد کرد (جدول شماره ۳). ایجاد نهادهای مدنی، گسترش فرهنگ حقوق بشری و تعهد سپاری جهانی عراق در موضوع حقوق بشر منوط به تعامل و همکاری نیروهای اشغالگر، سازمان ملل متحد و مردم عراق با یکدیگر در زمینه دست‌یابی به هنجارهای حقوق بشر است. در این راستا، تحولات حقوق بشر هنگامی با موفقیت روبه‌رو خواهد شد که با ارزشهای بومی، مذهبی و ملی این کشور هماهنگ شود، رفتارهای تحت تأثیر اقتدارگرایی چند دهه گذشته این مردم با نظر متخصصان روان‌شناسی و مردم‌شناسی مورد بررسی، بازبینی و اصلاح قرار گیرد و آموزش

اصول حقوق بشر از دوران دبستان در میان کودکان عراقی آغاز شود، به ویژه آگاهی عمومی نسبت به موضوع حقوق بشر از طریق رسانه های آزاد و مستقل انجام شود؛ زیرا بدون شناخت و آگاهی از حقوق نمی توان به حقوق بشر دست یافت. در واقع، باید به عراقی ها آموخت که بیاموزند چه حقوقی دارند و بدانند که حق دانستن دارند، حق شناخت نسبت به حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

چالشهای اقتصادی و اجتماعی، نبود امنیت شخصی و بی ثباتی سیاسی در عراق می تواند توده ها را تشویق کند به اینکه دوباره به دامن دیکتاتوری مانند صدام حسین باز گردند و به سلک فداییان چنین شخصی - که معمولاً در دید عوام شخصیتی کاریزما یا رهبری فره وش به نظر می رسند - درآیند. اکنون مسئولیت جامعه بین المللی در بازسازی فکری و اجتماعی عراق بیش از هر چیزی دارای اولویت است. بازسازی اقتصادی این کشور و صدور دوباره نفت این کشور هنگامی به آبادانی عراق کمک خواهد کرد که آبادانی سیاسی، فکری، آموزشی و فرهنگی نیز در عراق انجام شود. البته، این موضوع در برنامه ریزیهای نیروهای ائتلاف، به ویژه ایالات متحده، در بازسازی عراق قرار دارد. آمریکا به واسطه قدرت سخت افزاری^(۱) خود توانسته است ارتش عراق، نظام سیاسی صدام حسین و یک حکومت دیکتاتوری را سرنگون سازد. این امر، دستاورد عملیات نظامی، تحریمهای اقتصادی و به کارگیری زور و فشار است، اما آینده عراق بستگی به آن دارد که ایالات متحده بتواند بر فکر، اندیشه و ساختارهای ارزشی و هنجاری این کشور اثر گذارد. جوزف نای در مقاله ای در اهمیت چنین موضوعی عنوان می کند که «اگر من بتوانم به شما بقبولانم که آنچه را که من می خواهم شما هم بخواهید، آنگاه ناچار نیستم که شما را به آنچه که خود می خواهم وادار و مجبور سازم.»^{۳۵} چنین تأثیری، قدرت نرم^(۲) است و اگر آمریکا بتواند هنجارها و ارزشهای خود را به گونه ای ترویج کند که دیگران را مجذوب کرده و مثلاً خود عراقی ها در تعقیب و دنبال آن باشند، آنگاه آمریکا پیروزی کم هزینه تر و موفقتری به دست می آورد. بی شک، تحولات حقوق

1. Hard Power

2. Soft Power

بشری در عراق، بازسازی سیاسی و اقتصادی را در پی خواهد داشت که در آن هنجارهای جهانی - هنجارهایی که برخی آن را همان هنجارهای آمریکایی می دانند -، فرهنگ اقتدارگرایانه و هنجارهای بومی شده در این چند دهه در میان توده های عراقی را به چالش خواهد کشید. در این زمینه، شناخت و آگاهی علمی به همراه حضور و مشارکت اندیشمندان به این سرزمین کمک خواهد کرد تا نیاز به منجی دیگری برای رهایی مردمی تحت ستم نباشد. □

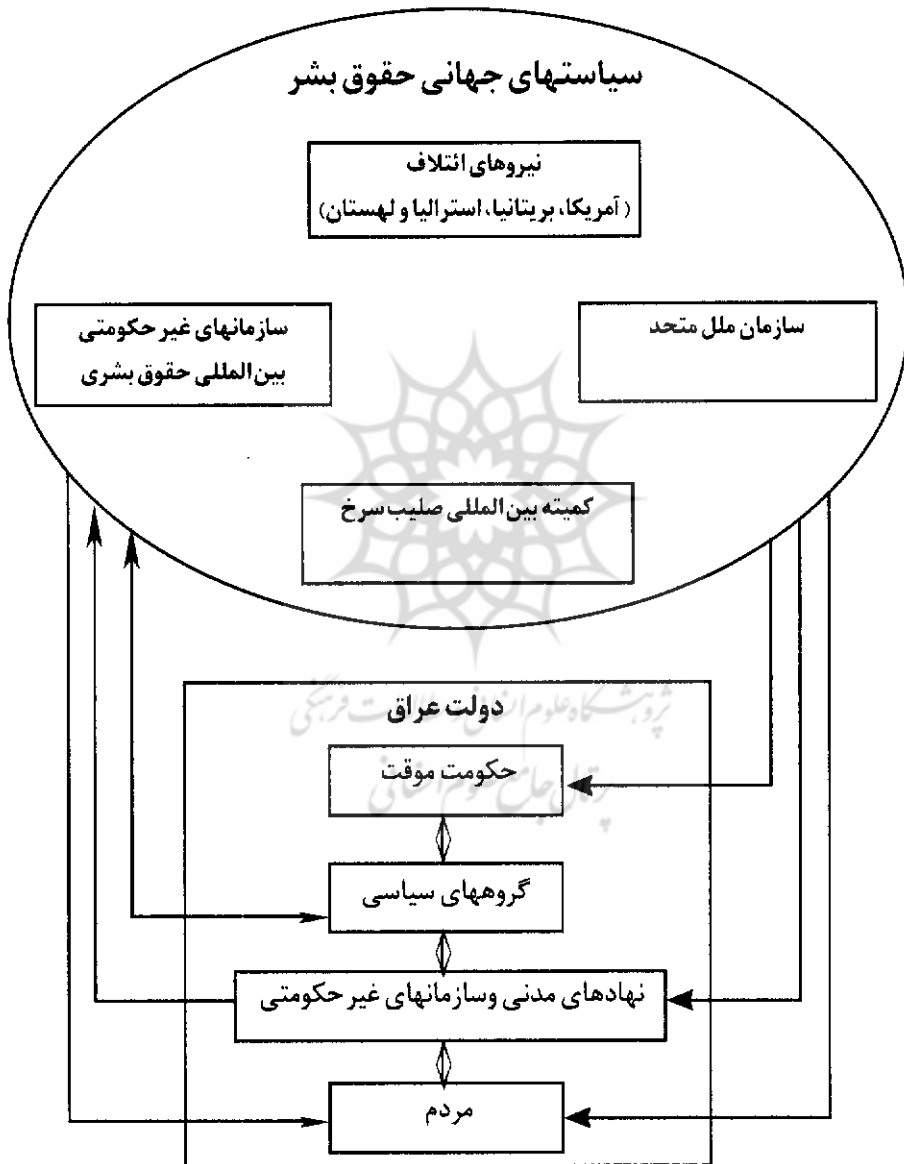


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۲. وضعیت عراق در تصویب مهمترین پیمان نامه های بین المللی حقوق بشر تا دوم مه ۲۰۰۳

تاریخ تصویب توسط عراق	تاریخ تصویب	علامت اختصاری	نام کنوانسیون
۲۵ ژانویه ۱۹۷۱	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶	CECR	پیمان نامه بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۲۵ ژانویه ۱۹۷۱	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶	CCPR	پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
-	۱۶ دسامبر ۱۹۶۶	CCPR-OP1	تختین پروتکل اختیاری پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
-	۱۵ دسامبر ۱۹۸۹	CCPR-OP2-DP	دومین پروتکل اختیاری پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
۱۴ ژانویه ۱۹۷۰	۲۱ دسامبر ۱۹۶۵	CERD	کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی
۱۲ اوت ۱۹۸۶ (الحاق)	۱۸ دسامبر ۱۹۷۹	CEDAW	کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی نسبت به زنان
-	۱۱۶ اکتبر ۱۹۹۹	CEDAW-OP	پروتکل اختیاری کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نسبت به زنان
-	۱۰ دسامبر ۱۹۸۴	CAT	کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده
۱۵ ژوئن ۱۹۹۴ (الحاق)	۲۰ نوامبر ۱۹۸۹	CRC	کنوانسیون حقوق کودک
-	۲۵ مه ۲۰۰۰	CRC-OP-AC	پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک مربوط به کارگیری کودکان در درگیریهای مسلحانه
-	۲۵ مه ۲۰۰۰	CRC-OP-SC	پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک مربوط به فروش کودکان، سوء استفاده از کودکان و عکس برداری غیر مشروع از کودکان
-	۱۸ دسامبر ۱۹۹۰	MWC	کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده ایشان

جدول شماره ۳. ساز و کار اثر گذاری و تحولات مربوط به حقوق بشر در عراق



پاوقر قیہا:

1. Christine Chinkin, "Gender Inequality and International Human Rights Law," in: *Inequality, Globalization, and World Politics*, edited by: Andrew Hurrell and Ngaire Woods, New York: Oxford University Press, 1999, pp. 10-11.
2. Ruth Wedgwood, "The Law at War," *The National Interest*, No. 66, Winter 2001, p. 71; Anthony Clark Arend, "International Law and the Preemptive Use of Military Force," *The Washington Quarterly*, Vol. 26, No. 2, Spring 2003, pp. 90-95.

۳. بنگرید به:

- Fouad Ajami, "Iraq and the Arab's Future," *Foreign Affairs*, Vol. 82, No. 2, January / February 2003, pp. 2-4; Frederick D. Barton and Bathsheba Crocker, "Winning the Peace in Iraq," *The Washington Quarterly*, Vol. 26, No. 2, Spring 2003, p. 7; Thomas Carothers, "Promoting Democracy and Fighting Terror," *Foreign Affairs*, Vol. 82, No. 1, January / February 2003, pp. 84-97.
4. Stephen Larrabee, "U.S. Middle East Policy after 9/11: Implication for Transatlantic Relations," *The International Spectator*, Vol. XXXVII, No. 3, July-September 2002, p. 47.
 5. <http://www.VOANews.com.10Apr2003>, p. 1.
 6. Abdullahi A. An-Na'im, "Human Rights in the Arab World: A Regional Persepective," *Human Rights Quarterly*, No. 23, 2001, p. 701.
 7. <http://www.VOANews.com.10Apr2003>, p. 1.
 8. Richard Falk, "The Quest for Human Rights in an Era of Globalization," in *Future Multilateralism*, edited by Michael G. Schoeter, London: Macmillan Press Ltd., 1999, p. 163.
 9. United Nations Security Council Resolution 1483 (2003) Adopted by the Security Council at its 4761st meeting, on 22 May 2003, pp. 1-7.
 10. Frederick D. Barton and Bathsheba Crocker, *op.cit.*
 11. United Nations Human Rights Website, Status of Ratifications of the Principal International Human Rights Treaties as of 2 May 2003, <http://www.udhr.2003>, pp.1-9.
 12. Thomas Risse and Kathryn Sikkink, "The Socialization of International Human Rights Norms into Domestic Practices: Introduction," in *The Power Human Rights*, edited by Thomas Risse, Stephen C. Ropp, and Kathryn Sikkink, Cambridge: Cambridge University Press, 1999, p. 2.

۱۳. بنگرید به:

- Michael Singer, *The Future of International Human Rights*, Washington DC: International Rule of Law Center, 1997, p.14.
14. Conseil de l' Europe, *Droits de l'homme en droit international*, Strasbourg: Les editions du Conseil de l'Europe, 1996, pp. 36-37.

۱۵. اسکات بالدوف وست استرن، «جایگاه سازمان ملل»، کریستین ساینس مانیاتور، ترجمه در: روزنامه همشهری، ۱۳/۲/۱۳۸۲، ص ۲۲.

16. UN, Press Release, HR/ CN/ 1047, Commission on Human Rights Adopts Resolution on Situation in Iraq, April 25, 2003, p. 1.

17. United Nations Security Council Resoulation, Res. 1483, SC. May 23, 2003.

18. UN Special Representation for Iraq, <http://www.un.org/apps/ New/infocus.Rel.asp?infocusId= 74&Body=Mello &Body 1=viciva,6/1/2003>, p. 1.

19. United Nations Human Rights Website, *op.cit.*, p. 5.

20. Nations Unies, *Les Nations Unies et les droits de l'homme 1945-1995*, New York: Publications des Nations Unies, 1996, p. 240.

21. Thomas Risse. *op.cit.*, p. 37.

22. L. K. Thakur, *Comparative and International Human Rights*, Delhi: Authors Press, 2001, p. 74.

۲۳. بنگرید به:

The Editors, "Democratization in the Arab World?" *Journal of Democracy*, Vol. 13, No. 4, October 2002, p. 5.

24. Mehran Kamrava, "Non-democratic State and Political Liberalisation in the Middle East: a Structural Analysis," *Third World Quarterly*, Vol. 19, No. 1, 1998, p. 71.

25. Joseph S. Nye, Jr., "Limits of American Power," *Political Science Quarterly*, Vol. 117, No. 4, Winter 2002-03, p. 552.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی